

عوامل موثر بر اجتماع پذیری سالمندان در فضاهای عمومی

مهدی ساشورپور^۱، پری علوی^۲

^۱ استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

^۲ دانشجوی دکترا، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، زنجان، ایران.

نام نویسنده مسئول:

پری علوی

چکیده

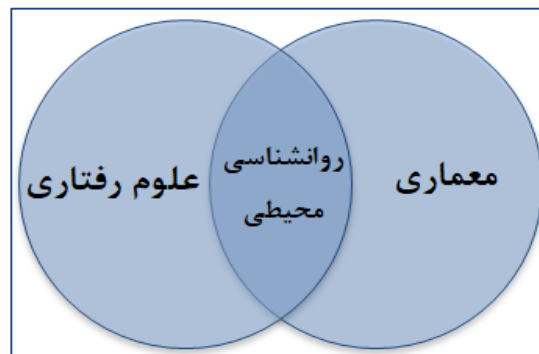
انسان به عنوان موجودی اجتماعی همواره درصدد ایجاد ارتباط با فضای پیرامون خود است. ایجاد این ارتباط از طریق حضور در محیط، دسترسی به فضاهای پیرامون و انجام فعالیتهای حیاتی میسر است. در واقع اجتماع پذیر بودن فضاها از مهمترین جلوه های فضاهای شهری موفق می باشد. در این میان توجه به مشکلات اجتماعی سالمندان به عنوان عضوی از این جامعه که امروز قشر زیادی از جمعیت شهرها را تشکیل می دهند ضرورت ویژه ای دارد. یکی از نیازهای این گروه از افراد برقراری ارتباط اجتماعی بین شهروندان است که در شهرهای کلان ایران مورد توجه قرار نگرفته است؛ برآورده نشدن این نیاز افسردگی، منجر به سرخوردگی و ترس در سالمندان می شود. نویسندگان در پژوهش حاضر که به روش توصیفی- تحلیلی بوده و بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و پژوهشی تهیه شده است، در تلاش برای یافتن عوامل موثر بر افزایش تعاملات اجتماعی سالمندان هستند. لذا در ابتدا ضمن اشاره به مفهوم روانشناسی محیطی و برخی مفاهیم مرتبط در خصوص ادراک محیط و اجتماع پذیر بودن سالمندان در فضاهای عمومی به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در بین سالمندان می پردازند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی- سیاسی شهر، ساختار کالبدی- فضایی و حالات روحی- روانی استفاده کنندگان از فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی افراد سالمند تأثیرگذار می باشد.

واژگان کلیدی: اجتماع پذیری، تعاملات اجتماعی، روانشناسی محیطی، سالمندان، فضاهای عمومی.

مقدمه

«روانشناسی محیطی» به مطالعه نقشه های شناختی فرد در رابطه با محیط می پردازد و ارزشها، معانی و اولویت های محیطی را دنبال می کند و مطالعات مرتبط آن، تاثیرات مخرب شهرنشینی بر روی رفتار انسانی را بالاخص در قرن حاضر را نشان می دهند. الگوهای رفتار غریزی انسان در شرایط شهرهای شلوغ تغییر می کند؛ چنانچه وقوع بیماریهای روانی با شهرنشینی افزایش یافته است و بیشترین میزان شیوع بیماری اسکیزوفرنی در مراکز شهرها دیده می شود که به عقیده برخی از کارشناسان، شهرسازان علاوه بر توجه به ارزش کاربری زمین، باید به ارزشهای احساسی، عاطفی و روانی آن نیز توجه کنند. از سوی دیگر، رفتار انسانی برآیندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک او از دنیای خارج و معنایی که این تصویر برای او دارد می باشد. بنابراین هر رفتار تحت تاثیر شرایط فوق می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. رفتار تنها تابع فعالیت نیست بلکه ترکیبی از فعالیت، زمان و مکان است. انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزیی از آن به شمار می رود. رفتار اجتماعی نیازمند بستری برای روی دادن است، بنابراین رابطه انسان و محیط به صورت یک رابطه رفت و برگشتی و تعاملی موردنظر است. از سویی از آنجا که رفتار در رابطه با محیط شکل می گیرد، به شدت تحت تاثیر فرهنگ و اجتماع می باشد و پیوسته معلول علتی اجتماعی و فرهنگی است. محیط می تواند خاستگاه «ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی» باشد. گروه های مختلف استفاده کننده از فضای شهر دارای نیازها و الگوهای رفتاری مختلفی هستند. بخشی از این نیازها معطوف به نیازهای مختلف و متعدد انسانی است و بخشی دیگر به ویژگی های کالبدی و نقش فضای مورد استفاده در شهر مربوط می شود. همچنین برخی از الگوهای رفتاری به نیازهای دسته های مختلف استفاده کننده از فضا بستگی دارد و برخی از این الگوها تابع فرهنگ و بستر فرهنگی جامعه می باشد. بنابراین نحوه برقراری این رابطه تعاملی بستگی زیادی به چهار عامل دارد که عبارتند از: ویژگی های کالبدی فضای مورد استفاده، نیازهای انسانی به طور عام، نیازهای مخاطبین و استفاده کنندگان خاص آن فضا و در نهایت الگوهای رفتاری و بستر فرهنگی جامعه. [۱]

آشنایی طراحان شهری با دانشهایی همچون علوم رفتاری و روانشناسی محیطی می تواند این امکان را برای طراحان فراهم کند تا منطبق بر نیاز و فرهنگ استفاده کنندگان، فضاها را طراحی کنند و بر این اساس شرایط لازم برای زندگی مطلوب برای کاربران شهری از فضاها فراهم آید. با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی و اینکه در پژوهشهای انجام شده، به جنبه های روانشناختی و رفتارهای مرتبط با این رویکرد کمتر پرداخته شده است، لذا در این تحقیق تلاش شده با مبنا قرار دادن جایگاه روانشناسی محیطی در معماری و اهمیت شناخت ارتباط بین محیط و طراحی (به ویژه معماری) پیوند میان حوزه های روانشناسی و معماری مدنظر قرار گیرد.



دیاگرام شماره ۱: روانشناسی محیطی محل اتصال علم معماری و علوم رفتاری [۲]

امروزه تلاش برای انسان محور کردن فضا باید برای همه طراحان در اولویت قرار گیرد همان چیزی که شهرسازی و معماری ارگونومیک به دنبال آن است، بیش از همه برای معماران و شهرسازان، یعنی کسانی که در یک تمدن کم و بیش شهرنشین مسئول نظام بخشیدن به فضا هستند اهمیت دارد. [۳]

۲. بیان مساله

انسان موجودی است که در راستای تکامل و رشد مستمر، نیاز به برقراری ارتباط اجتماعی و حضور در اجتماع دارد تا با بهره گیری از توانمندی دیگر هموعان و استفاده از محیط، نقص خود را جبران نماید. درک این نیاز در فضاهای شهری موجب تعامل افراد با مکان کالبدی و اجتماعی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی می شود. [۴] بنابر آنچه که گفته شد؛ معماران و طراحان شهری

باید توجه ویژه ای به شناخت روان شناسانه رفتارهای انسان داشته باشند، همانطوری که چرچیل می گوید: "رفتار انسان با محیط کالبدی ارتباط تنگاتنگی دارد. انسان محیط فیزیکی را می سازد و سپس محیط فیزیکی است که انسان ها را می سازد."

انسان با توجه به نیازها، ارزشها و هدفهای خود محیط را دگرگون می کند و به طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می گیرد، به ویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می شود تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. برخی اینگونه می دانند و بر این نکته تأکید دارند که «انسان محیط» دگرگونی سریع محیط را مخرب و موجب اخلاص در نظام اکولوژیک هر نوع دگرگونی اساسی و عمیق در محیط طبیعی، باید با توجه به تأثیر بلند مدت آن بر انسان و با پیش بینی نتایج مثبت و منفی آن انجام گیرد.

برخی دیگر از متفکران جنبه های مثبت تأثیر تکنولوژی پیشرفته را نیز متذکر می شوند و بر این تأکید دارند که هر چند تکنولوژی پیشرفته در بسیاری از موارد به بهداشت روانی و اجتماعی انسان ها آسیب می رساند، ولی از سوی دیگر موجب بالا رفتن سطح زندگی آنان می شود. دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگی های بنیادی زمان ماست. هر روز شهرها، محله ها و بناهای جدید ساخته می شوند. برخی الگوهای رفتاری نقشهای اجتماعی نوینی را بر ساکنان خود تحمیل می کنند یا برخی «قرارگاههای فیزیکی» اینگونه الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می کنند و به طور خلاصه جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می بخشند.

پدیده سالمندی سیری طبیعی است که هرکسی با آن مواجه خواهد شد و به تبع آن دگرگونی هایی در توانایی جسمی و نیازهای روحی و روانی انسان رخ خواهد داد که مستلزم توجهات خاص است. با توجه به ماهیت این دوره، سبک زندگی و افزایش وابستگی ها و کاهش توان، زندگی سالمندی با چالشهای فراوانی در اجتماع مواجه است، [۵] که چنین شرایطی منجر به ایجاد محدودیتهایی در ارتباط با اجتماع پذیری و استقلال فردی می گردد. سالمندان در مواجهه با رویدادهایی چون: پایان دوران اشتغال و بازنشستگی، احساس تنهایی، طردشدگی و همچنین فشار روانی ناشی از صنعتی شدن جوامع که به جدایی عاطفی و روانی منجر میشود، در معرض خطرات فزاینده ای قرار دارند [۶]

۳. ضرورت بیان مساله

بدون شک، ملزومات رشد و توسعه جوامع، ایجاد بسترهای فضایی و کالبدی مناسب جهت استفاده همه اقشار جامعه از خدمات و امکانات عمومی، به منظور تحرک و جابه جایی بهتر و دسترسی آسانتر در سطح شهر است. سالمندان بخشی از افراد جامعه اند که همچون سایرین، نیازمند دسترسی و استفاده از امکانات و خدمات عمومی هستند. اما وجود برخی موانع به خصوص در نحوه طراحی، معماری و شهرسازی، بسیاری از فضاهای شهری، به ویژه معابر عمومی، پارکها و فضاهای سبز را فاقد شرایط لازم برای برآورده ساختن نیازهای دسترسی این افراد نموده است. [۷]

از آنجا که بسیاری از بیماری ها و اختلالات در دوره کهولت سن بروز پیدا می کند، تمام کشورها به زودی با مشکل مدیریت شمار زیادی از سالمندانی که از بیماری های روحی رنج می برند مواجه خواهند شد. [۸] لذا توجه اصلی این پژوهش معطوف بر سالمندان و تعاملات اجتماعی آنها به عنوان عاملی مؤثر در ارتقای سلامت روحی ایشان می باشد. اما چرا طراحی فضای اجتماع پذیر برای سالمند مستلزم توجه خاص طراح است؟ و چه عواملی این گروه از کاربران را متمایز ساخته و پاسخگویی به نیازهای آنها تا این حد دارای پیچیدگی است؟

در نظر داشتن پاسخگویی به نیازهای روحی کاربر، حقیقتی غیر قابل انکار در راستای رسیدن به طراحی موفق بر مبنای ارتقای کیفیت ادراکی فضا است و طراح باید در کنار توجه به نیازهای فیزیکی و عملکردی کاربر، با چگونگی پاسخگویی صحیح به نیازهای روحی کاربر نیز آشنایی داشته باشد. در این میان، سالمندان به عنوان افرادی از جامعه که به مرحله ی کهولت سن رسیده اند و گاهی دارای اختلالات جسمانی منحصر به این دوره می باشند، از نظر روحی نیز تغییرات خاصی را تجربه کرده اند که همین امر منجر به تغییر در نیازهای روحی آنها شده است.

۴. روش تحقیق

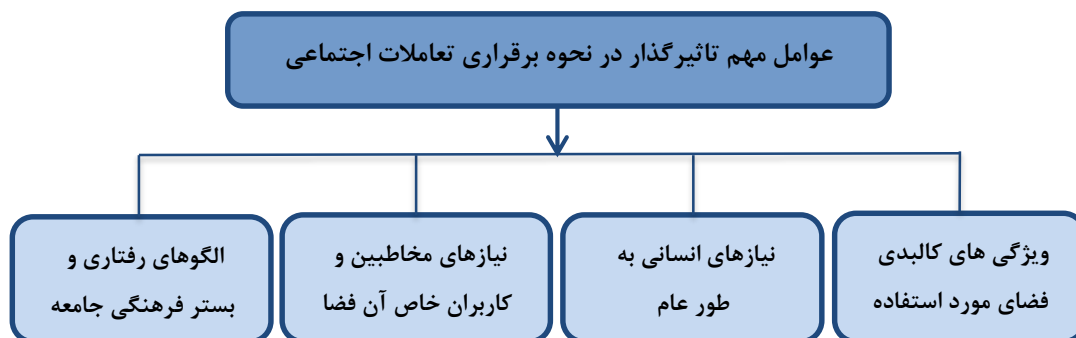
روش تحقیق این مقاله، توصیفی- تحلیلی و بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و پژوهشی بوده است که با بررسی اسناد و مدارک و نوشته های محققین و صاحب نظران مختلف سعی بر آن شده است که ارتباط درست و منطقی بین مفاهیم ایجاد شده و ضمن توضیح مفاهیم و رویکردهای نظری به تحلیل آنها پرداخته شود و در نهایت اطلاعات گردآوری شده تحلیل و جمع بندی گردند.

۵. مبانی نظری

۵-۱- تأثیرات متقابل انسان و محیط از دیدگاه روانشناسی

رفتار انسانی برآیندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک او از دنیای خارج و معنایی که این تصویر برای او دارد، می باشد؛ بنابراین هر رفتار تحت تاثیر شرایط فوق می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. «رفتار» تنها تابع «فعالیت» نیست؛ بلکه ترکیبی از: «فعالیت، زمان و محیط» است. انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزیی از آن به شمار می رود. رفتار اجتماعی نیازمند بستری برای روی دادن است، بنابراین رابطه انسان و «محیط» به صورت یک رابطه «رفت و برگشتی و تعاملی» موردنظر است. [۹]

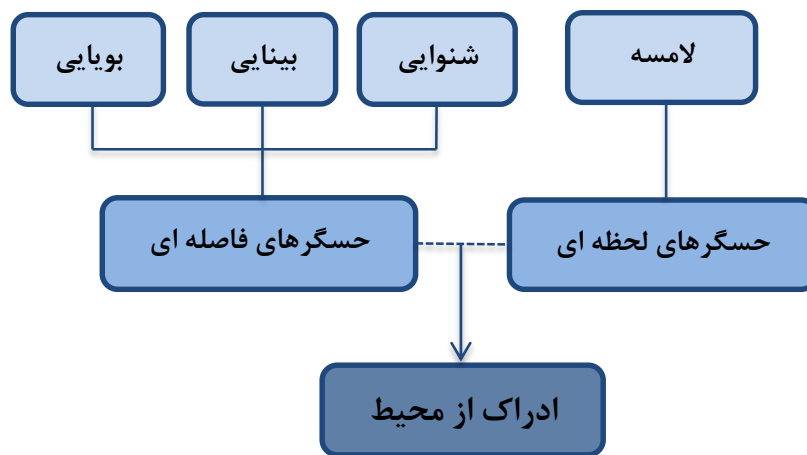
محیط می تواند خاستگاه «ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی» باشد، گروه های مختلف استفاده کننده از فضای شهر دارای نیازها و الگوهای رفتاری و بستر ساز «قرارگاه های رفتاری» مختلفی هستند. بخشی از این نیازها معطوف به نیازهای مختلف و متعدد انسانی است و بخشی دیگر به ویژگی های کالبدی و نقش فضای مورد استفاده در شهر مربوط می شود. همچنین برخی از الگوهای رفتاری به نیازهای دسته های مختلف استفاده کننده از فضا بستگی دارد و برخی از این الگوها تابع فرهنگ و بستر فرهنگی جامعه می باشد. بنابراین نحوه برقراری این رابطه تعاملی بستگی زیادی به چهار عامل دارد که عبارتند از: ویژگی های کالبدی فضای مورد استفاده، نیازهای انسانی به طور عام، نیازهای مخاطبین و استفاده کنندگان خاص آن فضا و در نهایت الگوهای رفتاری و بستر فرهنگی جامعه. [۹]



دیاگرام شماره ۲: عوامل مهم تاثیرگذار در نحوه برقراری تعاملات اجتماعی [۹]

انسان جزئی از طبیعت است و وابستگی مستقیم و غیر مستقیم او به طبیعت غیر قابل انکار است و همانگونه که بر طبیعت تاثیر گذار است، تاثیر قابل توجهی از محیط و پیرامون خود می پذیرد. نور، رنگ، تنوعات و تغییرات و دیگر شرایط و محیط بر روان و ادراک او تاثیر می گذارد و در تامین آرامش، سکون و بهداشت روانی وی حائز اهمیت است.

طراح برای خلق فضا از عناصر طراحی استفاده می کند که این عناصر توسط حواس انسان ادراک می شوند. به منظور درک ساده تر موضوع، این حواس بر مبنای دسته بندی ارائه شده توسط ادوارد هال، به دو گروه: حسگرهای فاصله ای و حسگرهای لحظه ای تقسیم شده است. [۱۰] گروه حسگرهای فاصله ای شامل تمامی حواسی می شود که محیط پیرامون را از فاصله ادراک می کنند و حسگرهای لحظه ای به گروهی اطلاق می شود که تجربه ادراک از محیط را عموماً از طریق پوست منتقل می کنند، مانند گرما و لمس اشیاء (دیاگرام شماره ۳). با توجه به این که پاسخگویی به نیازهای کاربر از طریق عناصر طراحی در محیط اجرا می شوند، در نظر داشتن این دسته بندی به هنگام طراحی برای پاسخگویی به نیازهای کاربر می تواند تاثیر گذار باشد.



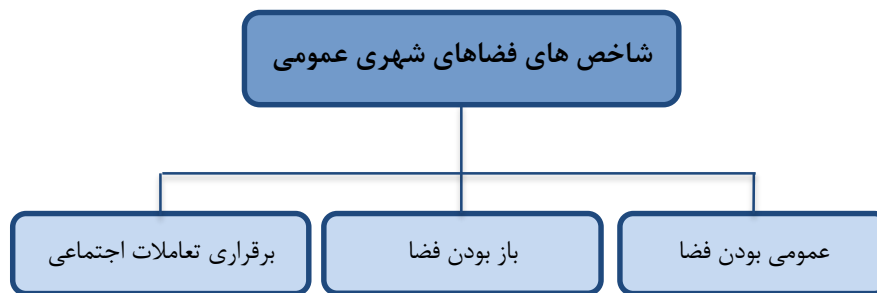
دیاگرام شماره ۳: مدل چگونگی ادراک اولیه انسان از محیط [۱۰]

۵-۲- اجتماع پذیری و نحوه شکل گیری تعاملات اجتماعی در فضاها

استفاده از واژه های اجتماع پذیر و اجتماع گریز بیانگر کیفیت های فضایی هستند که مردم را دور هم جمع می آورند یا از هم دور می کنند. این واژه ها را برای نخستین بار همفری اسموند با همراهی را بر تسامر، زمانی که مدیریت بیمارستانی در کانادا را بر عهده داشت تعریف کردند. [۱۱] فرآیند اجتماع پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و قابلیت شرکت مؤثر در تعامل با دیگران، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی و حرفه ای انسانها، از اهمیت حیاتی برخوردار است. [۷]

فضاهای عمومی سبب تعامل اجتماعی به عنوان پیش نیاز همگرایی، حس تعلق، مشارکت و در نهایت انسان مداری به عنوان یکی از ضرورت ها و مؤلفه های طراحی شهری پایدار تلقی می گردد. به طور کلی، یک فضای شهری مطلوب را می توان فضایی دانست که به نیازهای استفاده کنندگان از آن پاسخ مناسب بدهد. هر چقدر اهداف طراحی با نیازهای کاربران انطباق بیشتری داشته باشد، مطلوبیت فضایی نیز افزایش می یابد. فضاهای شهری امروز و هدف از ایجاد آنها در بیشتر موارد با خواست و نیاز استفاده کنندگان همخوانی ندارد و این عدم شناخت نیازها از سوی طراح سبب کاهش مطلوبیت و کارایی فضا می گردد. بر این اساس وظایف فضای عمومی را می توان ابزاری جهت ارتباطات و مراودات شبکه های اجتماعی؛ مکانی برای رویارویی و مراسم شهروندی و مدیریت و هماهنگ سازی فعالیتهای شهروندی بیان کرد. به بیانی دیگر، فضاهای شهری ظرف فعالیتهای شهری و بستری برای تعاملات اجتماعی و زمینه ساز شکل گیری سرمایه اجتماعی به شمار می آیند. [۱۱]

فضاهای شهری، مکانهایی هستند که به عموم شهروندان، تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و به عبارت دیگر، فضای شهری، مصنوعی است و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می یابند. [۸] سازمان یافته، آراسته و واجد نظم که به مردم اجازه می دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند. بنابراین شرط اساسی برای این که یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. با پذیرفتن این تعاریف سه شاخص اصلی برای تشخیص فضاهای شهری در عرصه عمومی شهر وجود دارد که مطابق دیاگرام شماره ۴ عبارتند از: عمومی بودن فضا، باز بودن آن و برقراری تعاملات اجتماعی در فضا. [۳]

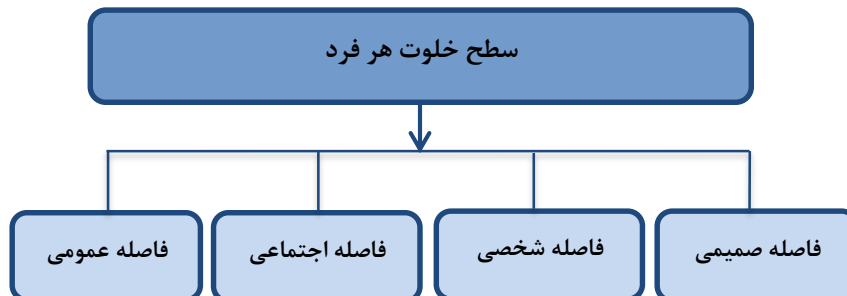


دیاگرام شماره ۴: شاخص های اصلی تشخیص فضاهای شهری در عرصه عمومی شهر [۳]

۵-۳- رفتار فردی و گروهی

رفتار فردی و گروهی به شایستگی مواجهه با محیط مبتنی است، شایستگی محیطی واژه ای است که توسط پاول لاونتن برای کمک به درک محیطی گروه های سالمند انتخاب شده و مجموعه ی وسیعی از شرایط سلامت جسمی یا روانی، ظرفیت فکری و اعتماد به نفس را شامل می شود. هر فردی برای مواجهه با محیط اجتماعی و ساخته شده سطحی از شایستگی را دارد هرچه شایستگی فرد بیشتر باشد آزادی عمل بیشتری دارد و محیط های اجتماعی و کالبدی رفتار او را کمتر محدود می کنند.

فضای شخصی همواره به عنوان یکی از بنیادی ترین نیازهای روحی کاربر مطرح بوده است. هر شخص با توجه به برخی فاکتورها از قبیل: سن، جنسیت، نژاد، تفاوت های شخصیتی و غیره نیازمند سطحی از فضای شخصی در فعالیت های روزمره است. در صورت تعرض به فضای شخصی هر فرد و نادیده گرفته شدن آن، عوارضی نظیر: افزایش سطح استرس، افزایش فشار خون و ترشح آدرنالین قابل پیش بینی است [۱۳] نیاز به سطح خلوت هر فرد با توجه به فعالیتی که در حال انجام آن است تغییر می کند که آشنایی با هر کدام از این سطوح توسط طراح ضروری است. ادوارد هال این سطوح را در چهار گروه اصلی مطابق دیاگرام شماره ۵ دسته بندی می کند.



دیاگرام شماره ۵: دسته بندی ادوارد هال از سطوح خلوت هر انسان. [۱۴]

۵-۴- نظریه گزینش اجتماعی - هیجانی

این رویکرد به بحث در رابطه با چگونگی حفظ تداوم، و در عین حال محدود شدن شبکه های اجتماعی افراد، در سن پیری می پردازد. طبق این نظریه، وقتی افراد پیر می شوند شبکه های اجتماعی آنها گزینشی تر می شود، آنها در داشتن روابط با افراد حساسیت بیشتری به خرج می دهند و تمایلشان نه فقط در برقرار کردن روابط اجتماعی جدید، که حتی در تداوم رابطه با برخی دوستان و آشنایان قبلی هم کاهش می یابد. این محدوده کردن شبکه های اجتماعی تلاشی است برای تنظیم کردن هیجان ناشی از تعامل، داشتن روابط خوشایند و اجتناب از روابط ناخوشایند و استرس زا، یعنی توجه به کیفیت روابط بجای کمیت آنها.

بدین ترتیب برای سالمندان ضرورت ندارد که روزانه در ارتباط مدام با تعداد زیادی از افراد متفاوت باشند. بلکه آنها به امکان برای ارتباطات محدود و قابل کنترل در حوزه نیمه خصوصی و حق انتخاب برای بودن در فضاهای نیمه عمومی و عمومی نیازمندند. انسان در دوره میانسالی و سالمندی نیازمند فعالیت هایی نیست که جدید و هیجان انگیز باشد یا باعث جلب توجه شود، در این دوره فرد به فعالیت های خاصی که با ناهوشیار او، کودک درون او، امیال و رویاهای درونی او در ارتباط است نیازمند است. [۱۵]

از طرفی دیگر درک از اطراف و محیط و مطالبه سالمند از آن دست خوش تغییر می شود، آنچه در محیط اطراف یک فرد را در دوران جوانی جذب می کند بسیار متفاوت از دوران سالمندی است. ذهن سالمند در جستجوی موارد آشناست. به عنوان مثال مفاهیمی نظیر زیبایی، به گونه ای دیگر از اطراف ادراک می شود. جورج سانتایانا یک تقسیم بندی از زیبایی شناسی تحت عنوان زیبایی حسی، فرمی و نمادین ارائه می کند. از مقایسه این دو در می یابیم توجه به زیبایی های نمادین و حسی برای سالمندان بیشتر از جنبه های فرمال اهمیت دارد. توجه به ارزش های نهفته در کنه فرم ها، احساس آرامش و امنیت روحی، دریافت هویت نمادین، تداعی آنچه با ذهن آشناست در محیط، جای فرمهای بدیع و بعضاً چالش برانگیز را می گیرد. از اینرو در محیط زیست سالمندان زیبایی های فرمال، استفاده از فرمهای بدیع، روابط پیچیده فضایی، داده های بسیار ذهنی، مصالح جدید، وجود جنبه های جدیدی از تکنولوژی های نا آشنا و ... رنگ می بازد و احساس حکم فرما در محیط، بارمعنایی حاوی محیط، مفهوم خانه برآمده از آن، ارجاعات آن، نمادها و محتویاتی که به همراه دارد اهمیت پیدا می کند. [۱۶] بنابراین در طراحی ایجاد سیمایی آشنا به واسطه نمادها و نشانه هایی در کالبد محیط، در واقع به کار بستن واژه های باز آفرینی خاطرات، هویت نمادین، زیبایی نمادین و حسی در طراحی و احراز هویت به واسطه باز آفرینی فرمی، محتوایی و بازآفرینی به واسطه فعالیت اهمیت بسیار دارد.

۵-۵- جمع بندی

تاکنون تمهیدات متعددی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی و جلوگیری از انزوای سالمندان همچون ایجاد آسایشگاه سالمندان، طراحی و ساخت ابزار کمک-حرکتی و پژوهشهای پزشکی- توانبخشی صورت گرفته است؛ اما نوع برخورد با سالمند و مشارکت دادن وی در جامعه مسئله ای حیاتی برای سالمند محسوب می شود که از دید بسیاری از افراد و یا حتی پژوهشگران دورمانده است.

امروزه فراهم نبودن تسهیلات لازم در فضاهای شهری دسترسی سالمندان به امکانات شهری را با مشکلات مختلفی مواجه کرده است. ناسامانی های فضای شهری و عدم انطباق آن با نیازها و خواسته های سالمندان منجر به منزوی شدن آنان از اجتماع گردیده که خود پیامدهای منفی بسیاری به دنبال دارد. بنابراین اصلاح محیط و تدارک تجهیزات موردنیاز به گونه ای که افراد سالمند بتوانند با حفظ استقلال فردی، آزادانه و بدون احساس خطر از محیط پیرامون خود (اعم از اماکن عمومی، معابر و محیط شهری و...) استفاده نمایند زمینه مناسبی را برای عدالت به عنوان محور اصلی برنامه ریزی شهری به اجتماع، زندگی و فعالیت فراهم میسازد. به بیان دیگر کیفیت زندگی و برخورداری متناسب از امکانات شهری از ضروریات توسعه پایدار شهری است و سالمندان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه باید در این خصوص مورد توجه ویژه داده شوند.

نقش محیط در زندگی انسان و رفتار متناسب وی با محیط پیرامون ضرورت بررسی و تحلیل این مهم را از نظر روانشناسی محیطی بوجود می آورد. با توجه به اینکه ادراک انسان از محیط بستگی به عواطف احساسات، پس زمینه محیط و سایر عوامل تأثیرگذار در محیط می باشد و تابع نظریه های ادراک محیطی می باشد. رفتار و محیط رابطه ای دوسویه و اجتناب ناپذیر با یکدیگر دارند. رفتارهای شهروندان به نوعی تابعی از محیط و قابلیت های آن می باشد و فضای شهری عرصه ای برای بروز رفتارهاست. با توجه به رفتارهای مشاهده شده و دسته بندی که از رفتارها صورت گرفته است، می توان ملاحظات طراحی و کیفیاتی که یک محیط را پاسخگو به نیازهای رفتاری شهروندان در طیفها و دسته های مختلف می کند لحاظ نمود. بدین ترتیب علاوه بر تامین کالبد مناسب برای وقوع رفتارهای شهروندان و حذف رفتارهای ناهنجار می توان رضایت خاطر شهروندان را کسب نمود.

نتیجه گیری

سالمندان نیازهای فیزیولوژیکی، روانشناختی و اجتماعی خاص خود را دارند که علت آن افزایش سن است. بیشتر سالمندان با وجود محدودیت ها می توانند کارهای خود را اداره کنند و قابلیت های آنها گسترده است و چنانچه در محیط مناسبی قرار گیرند توانایی های خود را به حداکثر می رسانند. آنچه مهم است تنها طولانی کردن دوران زندگی نیست، بلکه باید روی این نکته بسیار مهم متمرکز شد که این سالهای عمر در نهایت آرامش و با سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی سپری شود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی- سیاسی شهر، ساختار کالبدی- فضایی و حالات روحی- روانی استفاده کنندگان از فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی افراد سالمند تأثیرگذار می باشد. پارک ها از مهم ترین فضاهای باز شهری جهت حضور سالمندان است و بیشترین تفریح و سرگرمی سالمندان پیاده روی و ورزش در پارک و تجمع آنان در محیط پارک است. افراد سالمند در پارکها به علت وجود فضای سبز، آب و هوای مطلوب و حضور دیگر گروههای اجتماعی احساس آرامش می کنند و بیشترین اوقات خود را در پارکها می گذرانند. این مطلب لزوم ایجاد پارک و وجود یک فضای جمعی درون پارک ضروری است. با توجه به نتایج به دست آمده، سالمندان وقتی در فضا حضور می یابند که مطمئن باشند که فضا پاسخگوی نیازهای مختلف آنان است. تامین ایمنی، امنیت سالمندان در محیط، ایجاد حس اعتماد به نفس و استقلال آنان را بالا برده و باعث حضور بیشتر آنان در این فضاها می باشد. ایجاد امکانات و خدمات فرهنگی و تفریحی نزدیک به مکان های سکونتی، از جمله مواردی است که انگیزه سالمندان را به استفاده از فضا بیشتر می کند. همچنین بررسی دقیق ویژگی های جسمی و روحی روانی سالمندان و ارائه دستورالعمل های طراحی متناسب با آنها، در جهت طراحی و بهسازی فضاهای ضروری می باشد.

منابع و مراجع

- [۱] ضابطیان، الهام؛ تقوایی، علی اکبر. ۱۳۸۸، شاخص های مناسب سازی فضاهای شهری دوستدار سالمندان با استفاده از رویکرد مشارکتی، فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۸. صص ۶۰-۷۱.
- [۲] علی الحسینی، مهران؛ رفیعی، فرخنده. ۱۳۹۱، ارزیابی نیازمندی های سالمندان در فضاهای شهری، مطالعه موردی: پارک خلد برین شیراز، فصلنامه علمی-پژوهشی آرمان شهر، شماره ۹.
- [۳] حاتمی، مژگان، ۱۳۹۵، کاربری علم روانشناسی محیطی در معماری و طراحی شهری با تأکید بر اصول و معیارهای طراحی مجتمع های مسکونی. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۲، صص ۱۵۳-۱۷۸.
- [۴] پور جعفر. محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر؛ بمانیان، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا؛ احمدی، فریال. ۱۳۸۹، ارائه انگاره های محیطی مؤثر بر شکل گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز، فصلنامه علمی- پژوهشی سالمند، سال پنجم، شماره ۱۵.
- [۵] پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۵، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران، انتشارات شهیدی. ص ۷۳.
- [۶] زاهدی اصل، محمد؛ درویشی فرد، علی اصغر. ۱۳۹۵، عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان سلامت اجتماعی سالمندان (مطالعه موردی: سالمندان شهر کوه دشت)، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- [۷] مطلبی، قاسم، ۱۳۸۰، روانشناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- [۸] حناچی، سیمین. ۱۳۸۵. نقش آگاهی عمومی و آموزش تخصصی در مناسب سازی محیط شهری، تهران: همایش ملی مناسب سازی محیط شهری.
- [9] Gelder. Michael, Mayou. Richard, John. geddes, 2005, Psychology, third edition, United states: Oxford university
- [۱۰] دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم. ۱۳۸۶. فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، ص. ۱۹.
- [۱۱] کاشانی جو، خشایار، ۱۳۸۹. بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، شماره ۶، سال چهارم، ص. ۹۵.
- [۱۲] علوی، پری، ثبوتی، هومن، ۱۳۹۶، تاثیر محیط بر الگوهای رفتاری کودکان، پنجمین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری. انشگاه شهید بهشتی، تهران.
- [۱۳] حیدری، محمد ابن علی ۱۳۸۹، ارائه رویکرد جدیدی در طراحی شهر: طراحی شهر سالمند محور و ارگونومیک با رویکرد توان بخشی محیطی (شهری)، همایش ملی معماری و شهرسازی انسان گرا، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین.
- [14] Paul A. Bell, 2001, Environmental Psychology, Fifth Edition, Orlando: Earl McPeek.
- [15] Edward T. Hall, 1990, The Hidden Dimension, New York: Doubleday.
- [۱۶] تاج مزینانی، علی اکبر؛ لاریجانی، مهدیه. ۱۳۹۴، بررسی عوامل تأثیرگذار بر مطروذیت اجتماعی سالمندان (شهر ورامین)، فصلنامه علمی-پژوهشی. جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره ۵۹.